

اتوانوگرافی به مثابه روش پژوهش

چکیده

پس از دهه‌ها توجه به روش‌های اثبات‌گرایانه به عنوان رویکردی کمی در پژوهش‌های حوزه علوم انسانی، بار دیگر روش‌های کیفی مورد توجه قرار گرفته است. از روش‌های کیفی پژوهشی جدید که در شاخه‌های مردم‌شناسی، علوم ارتباطات و انسان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است، راهبرد روش شناختی «خودمردم‌نگاری» یا اتوانوگرافی است. اتوانوگرافی علی‌رغم ریشه عمیقی که در مطالعات مردم‌شناسی و روش شناختی دارد، شاید کمی بیش از یک دهه است که با کاربرد گسترده‌تر از سوی محققان مورد استفاده قرار می‌گیرد. اتوانوگرافی ظرفیت‌های متعددی برای تحلیل جامعه، فرهنگ، انسان و تجربه‌های زیستی در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد و شرایطی را مهیا می‌کند تا محقق بتواند به بازاندیشی محیط و موضوع مورد مطالعه خود بپردازد و بستری را فراهم می‌کند تا پژوهشگر بتواند به تولید دانش در زیست بوم مورد مطالعه بپردازد. در این رویکرد پژوهشی، تجارب محقق از جمله منابع اطلاعاتی مهم در فرایند تحقیق است و کمک می‌کند تا به فهم عمیق‌تری از محیط اجتماعی و فرهنگی برسد و حتی پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی را با بهره‌گیری از نوعی خودآگاهی انتقادی در قالب تجربه‌های شخصی به حوزه عمومی گسترش دهد. روش اتوانوگرافی با مولفه‌ی بازخوداندیشی و بازخودنگری را می‌توان با قرآنتی اصیل از میانی نظری اسلامی بازتعریف و ارتقا داد. به عبارتی در این نوشتار به دنبال معرفی روش کیفی اتوانوگرافی هستیم. در این پژوهش نشان خواهیم داد که آن دسته از تجارب شخصی که قابلیت اشتراک‌گذاری با سایر افراد جامعه را دارد، با روش اتوانوگرافی به خوبی توصیف، تبیین و تحلیل خواهد شد.

■ واژگان کلیدی

اتوانوگرافی، خودمردم‌نگاری، روش‌شناسی، تجربه‌نگاری، خودبازاندیشی.

سید محمد حسین هاشمیان

عضو هیئت علمی دانشگاه باقر العلوم ع، hashemi1401@gmail.com

سید محمد ذوالفقاری

دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه باقر العلوم ع، mohammad.zolfagari@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۸

۱. مقدمه

تجربیات انسانی یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی بشر است. انسان بر پایه تجارب و انباشت آن‌ها توانمندی توسعه و تغییرات رو به ترقی و پیشرفت را برای خود فراهم نموده است. به عبارتی انسان موجودی است که توان ساماندهی و بکارگیری تجربیات خود را دارد.

حقیقت، ترکیبی از واقعیاتی است که از تجربه‌های انسان، و ذهنیات و شرح حال‌های او همان‌گونه که هست، به دست می‌آید؛ بنابراین، در انجام پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی باید به دنبال روش‌هایی باشیم که تجربه انسانی، محور آن باشد. از جمله روش‌های پژوهشی برای نیل به این هدف، روش پژوهشی خودمردم‌نگاری یا به زبان لاتین «اتواتنوگرافی»^۱ است (فاضلی، ۱۳۹۲: ۴۳۱). هرچا انسان بتواند تجربه‌ای را شکل دهد، می‌توان از اتواتنوگرافی برای مطالعه‌ی آن کمک گرفت.

در واقع، قلمرو کاربرد اتواتنوگرافی تنها با یک عامل، محدود و تعریف می‌شود، آن هم قلمرو تجربه‌های پژوهش‌گر است. اهمیت اتواتنوگرافی در مجموعه‌ای از قابلیت‌ها، ابعاد و ارزش‌های متنوعی است که این روش برای بازنمایی و تحلیل جامعه، فرهنگ، انسان و تجربه‌های او دارد (همان: ۴۳۲).

شاید بتوان مهم‌ترین کارکرد راهبرد روش شناختی اتواتنوگرافی را عمومی سازی دانش انسانی و اجتماعی و اشتراک گذاری نتایج حاصل از تجارب شخصی با طیفی از مخاطبان دانست. پیش شرط چنین کارکردی البته قرار گرفتن این تجارب در بافت کلی جامعه، فرهنگ و تاریخ است تا از این مسیر بتوان به آن معنا بخشید، توصیفش کرد، تبیین نمود و برای آن تحلیل و تفسیر بیان کرد.

این روش به لحاظ بهره‌گیری از تجربیات میدانی پژوهشگر در بستر زیست بوم اجتماعی نقش مهمی در شناخت اجتماع و فرهنگ و بررسی زوایای پنهان آن و همچنین نقاط ضعف و قوت‌ها و آسیب‌ها دارد و با در گذاردن این تجربه در اختیار سبب می‌شوند شناخت ناشی از خودمردم‌نگاری در بین طیفی از مخاطبان تعمیم یابد. چنین شرایطی زمینه را برای تغییر در رویکردها، بازتعریف اهداف ارزش‌ها و هنجارها و اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی فراهم می‌کند.

بنابراین و چنانکه گفته شد در این پژوهش برآنیم تا با تشریح روش اتوانتوگرافی کاربرست آن در ثبت، تحلیل، نظم بخشی و سامان دهی و صورت بندی تجارب را به منظور تأمین هدف پژوهش تشریح کنیم.

۲. تعریف اتوانتوگرافی

اتوانتوگرافی^۱ روایت‌گری است که تحلیل و تفسیر فرهنگی برآمده از تجربیات شخصی پژوهشگر در بستر اجتماع و فرهنگ را با جزئیات روایت ترکیب می‌کند، و از رویکرد پژوهش علوم اجتماعی و مردم‌شناسان تبعیت می‌کند. در نهایت نیز انتظار این است که داستان‌های اتوانتوگرافان، در زمینه‌هایی اجتماعی - فرهنگی وسیع‌تری مورد تأمل و تحلیل و تفسیر قرار گیرند. به عبارتی اتوانتوگرافی رویکردی از پژوهش و نگارش است که در پی توصیف و فرایند و تحلیل نظام‌مند (graphy)، تجربه‌ی شخصی (auto)، به منظور فهم تجربه‌ی فرهنگی (ethno) است. این تعریف برآمده از مدل مفهومی سه بعدی الیس و بوچنر، برای تشریح پیچیدگی و گوناگونی اتوانتوگرافی است. از نظر آن‌ها «اتوانتوگرافی بسته به تأکید بر فرایند پژوهش (graphy)، فرهنگ (ethno) و خود (auto)»، چند گونه است، (Carolyn، ۲۰۰۰: ۷۰۴) که به آن پرداخته خواهد شد. با در نظر داشتن این موازنه‌ی سه‌گانه، به نظر چانگ، اتوانتوگرافی باید در روش‌شناسی، مردم‌نگارانه، از منظر تفسیر، فرهنگی، و از حیث محتوا، خودنوشت‌نامه باشد (چانگ، ۲۰۰۸: ۹۸).

این سه بعد، اتوانتوگرافی را مشابه یا متفاوت از انواع دیگر مردم‌نگاری‌ها می‌سازد؛ اتوانتوگرافان، همچون مردم‌نگاران، فرایند پژوهش مردم‌نگاری مشابهی را با جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها، زمینه‌های میدانی، تحلیل و تفسیر داده‌ها و تولید گزارش‌های پژوهشی که اتوانتوگرافی نیز نامیده می‌شود، دنبال می‌کنند. در این معنا، اصطلاح «اتوانتوگرافی» مانند مردم‌نگاری به فرایند و محصول اشاره می‌کند. همچنین، اتوانتوگرافان مانند مردم‌نگاران، تلاش می‌کنند از راه تحلیل و تفسیر، به فهم فرهنگ نائل شوند؛ به عبارت دیگر، اتوانتوگرافی تنها در پی تمرکز بر خود نیست؛ بلکه در جستجوی فهم دیگران (فرهنگ و جامعه) از طریق خود است. بدین‌سان «خود» دریچه‌ای است که از راه آن به فهم فرهنگ اجتماعی دست پیدا می‌کنیم. اتوانتوگرافان از تجارب شخصی خود به منزله‌ی داده‌های اولیه استفاده می‌کنند و روایت‌ها و ادراکات

1. Autoethnographie.

2. Chang.

اتوبیوگرافیک^۱ را ارج می‌نهند. این ادراکات، بر خلاف مردم‌نگاری‌های متعارف، آگاهانه با فرایند پژوهش و محصول آن درمی‌آمیزند. به نظر مانسی^۲ «اتوانوگرافی نه تنها روایت‌های شخصی را بی‌اعتبار نمی‌داند، بلکه به استقبال آن می‌رود» (حیدری، ۱۳۹۲: ۳۲ - ۳۱).

اتوانوگرافی روشی همراه با ابهامات اولیه برای مخاطب است. اتوانوگرافی پاسخی به ندای درون و دغدغه‌های نویسنده و محقق است. در واقع در یک پژوهش به روش اتوانوگرافی صحنه‌ای مانند نمایش یک تئاتر برپا می‌شود و داستانی روایت می‌گردد؛ ارتباط پیچیده‌ای بین زندگی، تحول، تغییر ذهنیت و توسعه دانش کنشگر برقرار و به نمایش گذاشته می‌شود. در اتوانوگرافی از هر نوع دسته‌بندی مرسوم در روش‌های دیگر در ظاهر امتناع می‌شود. باور بر این است که کلمات و بیان روایت مهم است و نوشته‌های نویسنده با این هدف سامان می‌گیرد و آفریده می‌شود که دنیای او و مخاطبانش را در حد توان تغییر دهد (گابریل دبه^۳، ۲۰۱۵: ۱۳). در واقع نویسنده با روایت تجارب و تحولات خود، خواننده را به تحول و تغییر در مسیر ارتقای خود و حوزه خاص کار و فعالیتش دعوت می‌کند.

به تعبیری دیگر آن را می‌توان این‌گونه نیز تعریف کرد: اتوانوگرافی روایتی است از «خود» که در آن ارتباط با دیگران در موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود. اتوانوگرافی هم یک روش است و در عین حال متن و نوشته‌ای است که از کاربردهای متفاوت میان رشته‌ای نشأت می‌گیرد (دانهی^۴، ۱۹۹۷: ۶۷ - ۶۶).

به اعتقاد یکی از محققین این حوزه این روش، با ابعاد انعکاسی (بازخوردی)، متعهدانه و دغدغه‌مند، تحلیل گرایانه و رویکرد تفسیری در خصوص مسائل جامعه شناختی و متن‌های عام (نص، تصویر، فیلم، نثارت، موسیقی و...) مورد علاقه خوانندگان، به محقق این احساس را می‌دهد، که راه جدیدی را برای پژوهش یافته است؛ در عین حال کشف علاقه روز افزون محقق به autoethnographie در تحقیق و آموزش به او کمک می‌کند تا سکوت را بشکند و جرات کند زندگی خود را روایت کند (G. Dubé, ۲۰۱۵: ۱۵). اتوانوگرافی وسیله‌ای مهیج برای بیان "خود" و ابزاری کارآمد و موفق برای رسیدن به شناخت از خود یا معرفت النفس است. به عبارتی دیگر، اتوانوگرافی راهی برای شناخت عمیق‌تر از خویشتن فردی و اجتماعی است که موجب اعتماد به

۱. اتوبیوگرافی تجربیات زندگی خود نویسنده است.

2. Muncey.

3. G. Dubé.

4. Danahay.

نفس و بروز خلاقیت فردی و خلق متن‌های خلاقانه می‌شود (فاضلی: ۴۳۶ - ۴۳۲). اتوانتوگرافی به دلیل ماهیت بازاندیشانه‌ای که دارد این فرصت را به پژوهش‌گر می‌دهد تا به نوعی «خودآگاهی انتقادی» نسبت به خود، جامعه، دانش و جایگاه خود با جامعه برسد. چنین بازاندیشی و فهمی برای پژوهش‌گران حوزه علوم اجتماعی در جوامع در حال توسعه ضرورت دارد (همان: ۴۳۲).

موضوع مهمی که درباره زمینه‌های تعمیم‌پذیری این روش مطرح است اینکه برخلاف انتظار، بسیاری یافته‌های پژوهش اتوانتوگرافی مانند بسیاری از روش‌های کیفی مدعی تعمیم‌پذیری نیستند. این روش مدعی این است که یک مورد تجربه خاص را می‌تواند به خوبی فهم و تفسیر کند. ریچاردسون از محققان این حوزه می‌نویسد «من در گفتن روایت خود، یافته‌هایم را حقیقت علمی یا تعمیم پذیر نمی‌دانم بلکه آن‌ها، برساخت خلاقانه تجربه زیسته من هستند» (ریچاردسون، ۲۰۰۰: ۵۲۹ - ۵۱۶) «هدف من از نوشتن، بازنمایی واقعیتی عینی نیست. من می‌نویسم تا نظر منحصر به فرد خویش درباره واقعیت برساخته خود را بیان کنم» (همان).

اما محقق در یک حوزه خاص با روش اتوانتوگرافی می‌تواند به جهت تعمیم‌پذیری، با التفات به اینکه فرهنگ، ماهیتی بین‌الذهانی با قابلیت انتقال و آموزش و تعلیم از سوی گروهی و نسلی به گروه و نسل دیگر دارد، با انجام مصاحبه با افراد دخیل در موضوع و دارای تجارب مشترک، مانند گروه همکاران سعی در ایجاد فضای مشترک بین الذهانی برای فراگیری و توسعه مفاهیم مستخرج باشد.

اتوانتوگرافی کمک می‌کند تا بتوانیم به نحو بهتری با بستر اجتماعی و منابع فرهنگی و سرزمین و زادگاه زیستی و فرهنگی خود ارتباط برقرار کنیم. همچنین می‌تواند مشکل جدی «بیگانگی فرهنگی» که روشن‌فکران و تحصیل‌کردگان دانشگاهی در کشورهای حاشیه یا جنوب معمولاً با آن روبرو می‌شوند، کم کند یا حتی از میان ببرد. چرا که یکی از اهداف اصلی اتوانتوگرافی تأمل و بازاندیشی در تجربه‌های زیسته پژوهش‌گر است. بنابراین لاجرم باید به طور مستمر و منظم به «زیست جهان اجتماعی» که در آن زندگی کرده است، توجه عمیق، دقیق و همه‌جانبه داشته باشد. این توجه به زیست جهان خود مانع از آن می‌شود که پژوهش‌گر از فاصله‌ی دور به فرهنگ و جامعه خود نگاه کند. در واقع اتوانتوگرافی تلاشی روش‌مند برای پیوند زدن پژوهش -

گران علوم اجتماعی با تاریخ، فرهنگ و جامعه‌ی مورد مطالعه به قوی‌ترین شکل ممکن است (فاضلی، ۱۳۹۲: ۴۳۷).

اتوانوگرافی مستلزم آگاهی و تسلط به مفاهیم و نظریه‌هایی است که چشم ما را مسلح و مسلط به دیدن امور و گزینش پدیده‌ها و تجربه‌های ما می‌کند. از این منظر اتوانوگرافی با رمان‌نویسی یا روایت‌پردازی ادبی تفاوت آشکار دارد. همانطور که ولکات می‌نویسد: «مردم‌نگاران فقط چیزی را که می‌بینند توصیف نمی‌کنند، بلکه چیزهایی را می‌بینند که می‌دانند چگونه توصیف می‌کنند» (همان، ۴۵۳).

اتوانوگرافی برای فعالان و کنشگران حوزه فرهنگ مانند ابزاری است برای انباشت تجارب و تقریب اذهان در حوزه اجرا؛ همان‌گونه که در حرفه‌های دیگر مانند پزشکی، معلمی، وکالت راه‌هایی برای جمع‌آوری دانش و به اشتراک گذاشتن آن وجود دارد. برای مثال در پزشکی، افراد به مطالعه موردی می‌پردازند و در کمیسیون‌های پزشکی آن را به اشتراک گذاشته و براساس روش‌های مقبول و معمول در این حوزه، روند تجربه‌ی حاصله ثبت و منتشر می‌گردد. وکلا نیز با مطالعه موارد حقوقی و تفسیر آن‌ها، موارد حقوقی خود را در قالب رویه‌ها و سیر امور حقوقی حل می‌کنند. اما در کنشگری فرهنگی و مصادیق آن به ویژه در جوامع در حال توسعه، نظام حرفه‌ای علمی برگرفته از مطالعات اتوانوگرافیک تاسیس نشده است؛ این رویکرد برای بازسازی روندهای فرهنگی و اجتماعی این جوامع کارکرد مطلوبی دارد.

۲. بررسی ادبیات اتوانوگرافی

کارل هیدر^۱ مردم‌شناس اولین کسی بود که از اصطلاح «اتوانوگرافی» استفاده کرد. او زمانی که مردم دنی را مطالعه می‌کرد، در مقاله‌اش با عنوان «مردم چه می‌کنند؟ اتوانوگرافی دنی»^۲ از این اصطلاح استفاده کرد. (حیدری: ۲۷ - ۲۳) مدت زمان زیادی نگذشت که دیوید هاینانو از این واژه برای اشاره به مطالعات فرهنگی استفاده کرد که در آن پژوهش‌گر فردی کاملاً خودی با مزیت بومی بودن بود و در نتیجه آشنایی بسیار نزدیکی با گروه مطالعه‌شونده داشت (Chang, 2008, 100). سال‌ها طول کشید تا واژه خاص اتوانوگرافی ریشه دواند و در طول دو دهه گذشته با شیوه‌های متنوعی توصیف شد. از جمله کتاب‌های معتبر و مستند در این باره کتاب اتوانوگرافی دی ریدداناهاست. در این

1. Karl Heider.

2. What Do People Do? Dani Auto-Ethnography.

کتاب اتوانتوگرافی به عنوان شکلی از خودنوشت‌نامه تعریف شده که خود را در بستری اجتماعی جای می‌دهد. اتوانتوگرافی هم روش است و هم متن، مانند مردم‌نگاری.

اتوانتوگرافی را مردم‌شناسی که مردم‌نگاری «بومی» یا «محلی» انجام می‌دهد و نیز فردی غیر مردم‌شناس (قوم‌نگار) می‌تواند صورت دهد. همچنین اتوانتوگرافی می‌تواند به وسیله فردی اتوبیوگراف انجام شود که داستان زندگی خود را بر بستر اجتماعی رخداد، جای می‌دهد (Danahay : ۹). ون منن^۱ تعاریف متعددی از مردم‌نگاری را در کتاب «داستان‌هایی از زمینه»^۲ ارائه می‌کند از قبیل داستان‌های «واقع‌گرا»، «اعتزافی» و «احساساتی». اما بعد در کتاب «بازنمایی در مردم‌نگاری»^۳ به طور خاص به «خود» یا «تو» در اتوانتوگرافی‌ها، به عنوان مقوله متمایز مردم‌نگاری اشاره می‌کند.

در مباحث اتوانتوگرافی مفاهیمی همچون «خود»، «خود ارزیابی»، «خود بازنگری»، «خود بازاندیشی» و امثال آن بسیار پررنگ است، قریب به این معانی و کاربرد معنایی در اتوانتوگرافی را، می‌توان در معارف اسلامی در مباحثی همچون «محاسبه‌ النفس»، «حسابرسی روزانه اعمال»، «محاسبه، مراقبه و مشارطه» مشاهده نمود. بحث "خود ارزیابی" در اتوانتوگرافی به این معنا است که، کنش‌گر تلاش می‌کند در روایتی خالی از سانسور که معمولاً تحقق پیدا نمی‌کند، تجاربش را در تعاملات شخصی در حوزه‌ای خاص روایت کند. سپس از گذر این روایت، عمیقاً تعامل خود با وقایع را فهم و تحلیل کند، و به نوعی خود ارزیابی و خود بازاندیشی به هدف ثبت و تحلیل تجارب در بکارگیری در حوزه‌ای دانشی دست یابد. خودبازنگری در اتوانتوگرافی در مقایسه با آنچه در معارف اسلامی توصیه می‌شود به هدف ارتقای معنوی کنشگر صورت نمی‌گیرد؛ بلکه محقق به دنبال عمق بخشیدن به فهم و تفسیر خود از تجارب است؛ اما در محاسبه‌ النفس اسلامی مسلمان مومن در بازخوانی تجارب و زندگی گذشته‌ی خود به دنبال خودارزیابی در مسیر اصلاح نفس است و لزوماً آنچه در زندگی اش رخ داده را برای کسی روایت نمی‌کند. همچنین مباحثی که حول مفاهیم "خود" و "نفس" در فلسفه، تفسیر و اخلاق اسلامی مطرح می‌شود، با قرائت‌های مدرن و پست مدرن به لحاظ موطن و جهت‌گیری متفاوت است. براین اساس شایسته است بحث مختصری از معنا و مفهوم خود در نگاه نویسندگان غربی ارائه گردد.

1. Van Maanen.

2. Tales of the Field.

3. Representation in Ethnography.

در مطالعات صورت گرفته در زمینه‌ی مفهوم "خود" محققان تلاش‌هایی انجام داده‌اند و اوریک گافمن^۱ یکی از چهره‌های برجسته در این حوزه است. در نظریه‌ی گافمن در مورد «خود» با رویکرد نمایشی گافمنی، استعاره تکنیکی برای تشریح چگونگی جایابی چهره ایده آل به جای چهره واقعی فرد وجود دارد (هوگان^۲، ۲۰۱۰: ۳۰). نظریه مذکور دارای سه مؤلفه محیط (صحنه)، خود و حضار (مخاطب)، است و پیامد آن اجرایی می‌باشد (برای مطالعه بیشتر ن.ک: اروینگ گافمن، ۱۳۹۵). که فرد را با کسب تجربه به شخصی منحصر به فرد تبدیل می‌کند (اسمیت^۳، ۲۰۰۶: ۶۸). ویژگی اساسی این رویکرد خاصه در حوزه فعالیت‌های فرهنگی و از مصادیق بارز آن یعنی تبلیغ دینی در فضای واقعی، تعامل جسمانی و بیانی رو در رو از کنش‌گر در صحنه با مخاطب خاص است؛ مخاطبان و حضاری که در محضر بودن آنها، عامل هویت‌بخشی به کنش و تعیین نوع آن می‌شود (Bullingham: ۷۳). چرا که رفتار کنش‌گر براساس هدف تأییدپذیری و جلب توجه مخاطب و تأثیرگذاری تنظیم می‌گردد و همین موضوع دیگری را در تشخیص افراد و نوع اجرای آن‌ها به عنوان مهم‌ترین مؤلفه جایابی می‌کند (گافمن: ۱۱۵).

محقق‌ی به نام فی در عبارتی دیگر، با قیاسی از ویتگنشتاین بیان می‌دارد، چشمی که به جهان می‌نگرد نمی‌تواند خودش را ببیند مگر آنکه در استخر آبی خود را بنگرد، بنابراین او غیر از خود به دیگری نیاز دارد. در رویکرد گافمن که از اندیشمندان مکتب کنش متقابل نمادین به حساب می‌آید، خود، ذاتی و درونی نیست و حاصل ضرب در زمانی و هم‌زمانی و عرضی و طولی بودن تجارب فردی است که با انباشته شدن تکه تجارب منتج از بروز خودهای متنوع براساس اجزای متفاوت برای میدان و مخاطبان مختلف، تصویری از آن حاصل می‌شود (سنت کلا، ۱۳۹۵: ۱۱۳)؛ بنابراین، خود در رویکرد مذکور، تثبیت شده نمی‌باشد و در لحظه و مکان در حال شدن است.

بازیگری و نمایش‌گری در دیدگاه گافمنی نتیجه عملیاتی شدن من فاعلی و من مفعولی است که در صحنه اجرا، بروز پیدا می‌کنند. بازیگر در بین خودها در موقعیت‌های متفاوت دست به انتخاب می‌زند، و نمایش‌گری به بهترین اجرا براساس اقتضانات زمانی و مکانی برای مخاطب بازمی‌گردد. هدف غایی این دو بعد، شکل‌دهی به تصویر و ذهنیت پایا و مثبت در ذهن مخاطب است و هماهنگی بین آنها با عنوان کار خود^۴ تعریف می‌شود و پیامد آن مدیریت احساس و عقیده

1. Gaphman.
2. Hogan.
3. Smith.
4. Self-work.

بیان می‌گردد. در اینجا با توجه به هدف مذکور، برخی با تمرکز بر مؤلفه سودمحوری و ادبیات گافمنی در تشریح اجرا، جامعه‌شناسی او را متأثر از نگاه ماکیاولی می‌دانند که در آن فرد از دیگران به عنوان ابزارهای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کند، اجرا در فهم مذکور، فریب دیگری به حساب می‌آید. این نگاه با خوانش ذات و طینت بد از انسان، آن را موجودی فرصت‌طلب عنوان، و اجرای او را در میدان برای منظور مذکور جایابی می‌کند. بدیهی است این نگاه با آموزه‌های اسلامی که تلاش می‌کند انسان را بر اساس صداقت و دوری از نفاق تربیت کند بسیار فاصله دارد.

گافمن بر این باور است که کنش‌گر در مقابل خود مورد انتظار تلاش می‌کند خودی فراتر از آرایش اجتماعی ایجاد نماید تا بتواند به خود مانا و تعادل‌بخش او کمک نماید. نقطه کلیدی مؤثر بر این نظریه را می‌توان در مفهوم فاصله نقش جستجو کرد. اصطلاح مذکور به شیوه‌های جدایی مؤثر بین فرد و نقش با حفظ پشتیبانی و راهنمایی «خود» از آنها دلالت می‌کند (Smith, 2006: 71). هنگامی که موضوع تصویرسازی مانا در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود، بین کنش‌ها در اجرا تمایز ایجاد می‌شود. دو میدان و محیط در ادبیات گافمنی به عنوان پشت صحنه و جلوی صحنه در راستای تفاوت بیان شده، صورت‌بندی می‌شوند. جلوی صحنه محل درگیری مجری با مخاطب و هدف آن ایجاد ذهنیت مطلوب نسبت به کنش‌گر است. در جلوی صحنه باید از کارهای پشت صحنه، محل کنش بدون لحاظ مخاطب خاص، جلوگیری کرد (گافمن، 1395: 116).

طرح سه‌گانه نظریه گافمن در مورد خود، حصار و محیط را این‌چنین می‌توان توضیح داد:

الف) محیط: در نظریه گافمن محیط فضایی برای «بازنمایی و نمایش خود» و «زندگی‌های روزمره» است.

ب) مخاطب (حصار): یکی از ارکان مهم نظریه‌ی گافمن، مخاطب و خصلت خاص بودن آن است. بدین معنا که هر اجرا براساس گونه‌ای از حصار تنظیم می‌شود و برای هر نوع از آنها متفاوت می‌باشد.

ج) خود: با فراهم شدن ویژگی‌های خاصش در نظریه گافمن شناخته و تعریف می‌گردد. خود در هر محیط و فضایی می‌تواند ویژگی‌های خاصی داشته باشد، مثلاً در فضای مجازی رویکردهای متفاوتی در حوزه‌ی شکل‌گیری خود و اجرا ایجاد شده است. خود در فضای واقعی تبلیغ و آموزش دینی برای یک کنش‌گر فرهنگی حاضر در میدان واقعی، آشکار (در مقابل گمنام بودن)، بدن‌مند

در مقابل نامرئی بودن) و یگانه (در قالب و محتوا) است. انسان‌ها با نقش‌های خود در فضای واقعی نمی‌توانند از منش و قیافه جدا شوند، و وجوه مختلف کنش‌گر و خودهای او در تعاملاتش موثر است.

رید داناهای با طرح اصطلاح اتوانوگرافی، نه تنها یادآور علایق درازمدت مردم‌شناسان به مفهوم خود است، بلکه نسل جدیدی از مردم‌شناسان را از قید و بند محدودیت‌های اعمال شده آزاد ساخت تا بتوانند داستان‌های شخصیشان را محور بررسی‌هایشان قرار دهند (Chang: ۱۱۳). با وجود علایق درازمدت مردم‌شناسی به مفهوم خود، خودتأملی تنها دربرگیرنده‌ی تعدادی از مردم‌شناسان و دانشمندان علوم اجتماعی نیست. سالزمن یکی از منتقدین تأمل^۱ است. او به این بحث می‌پردازد که تفکر دائم پست‌مدرنیسم درباره‌ی خودتأملی و ذهنیت قوم‌نگار، مانع پیشرفت مردم‌شناسی است. نقد او نشان دهنده‌ی جنگ بین دو مرتبه‌ی عین و ذهن در علوم اجتماعی است. مرتبه‌ی عینیت رویکرد علمی و نظام‌مند به جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل و تفسیر آنها دارد که اعتبار آن با انجام پژوهش‌های بیشتر از سوی پژوهش‌گران دیگر افزایش می‌یابد؛ از سوی دیگر مرتبه‌ی ذهنیت به پژوهش‌گران اجازه می‌دهد تا تفاسیر ذهنی و شخصی خود را به فرایند پژوهش وارد کنند (همان، ۱۵۵).

برخی محققین اتوانوگرافی در این حوزه اختلافات نظری دارند، براین اساس یک شماره‌ی ویژه از مجله‌ی «قوم‌نگاری معاصر»^۲ به اتوانوگرافی اختصاص یافت و به تشریح این شکاف پرداخت. آندرسون در مقاله‌ای با عنوان «اتوانوگرافی تحلیلی»^۳ در کمپ عینیت‌گرایان جای می‌گیرد. اتوانوگرافی‌ای که او مدافع آن است باید شرایط زیر را دارا باشد:

۱. اتوانوگراف عضو کامل جامعه‌ی اجتماعی تحت بررسی است؛
۲. در تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به خود، تأمل می‌کند؛
۳. فعالانه و به طور عینی در متن حضور دارد؛
۴. از افراد آگاه و خبره‌ی دیگر در موقعیت‌های مشابه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده می‌کند؛
۵. به تجزیه و تحلیل نظری متعهد است (اندرسون^۴، ۲۰۰۶: ۳۰۷).

1. Reflexivity.
 2. Journal of Contemporary Ethnography.
 3. Analytic autoethnography.
 4. Anderson.

در این حوزه نظریات دیگری نیز وجود دارد مانند نظریه‌ی بازاندیشی گیدنز که با تمرکز بر خودبازتابی و خودآگاهی، از آن به عنوان ابزاری، جهت توانمند کردن سوژه برای شکست و تخریب خود و بازسازی آن با ترکیب جدید براساس چینش متفاوت و یا امتزاج با عناصر ارائه شده در فضای عمل عنوان می‌کنند (پاپاچریسی^۱، ۲۰۱۲: ۶۸ - ۶۷).

پژوهش‌گر ملتزم به مبانی اسلامی می‌تواند، براساس مبانی دینی و اصول اخلاقی اسلام با بازتعریف مبانی نظری این روش، از این روش برای ارتقای سطح اعتقادی و اخلاقی خود در کنار عمق بخشیدن به تحقیقات خود بهره ببرد. به عبارت دیگر در معارف اسلامی این ظرفیت وجود دارد که بتوان مبانی روش اتوانتوگرافی از منظر اسلامی بازسازی نمود و آن را از دو حیث اخلاقی و علمی ارتقا بخشید.

۳. اتوانتوگرافی به عنوان رویکردی کیفی

اتوانتوگرافی در زمره رویکردهای کیفی جای داده شده است. یک رویکرد پژوهشی کیفی دربردارنده رویکردی طبیعت‌گرا و تفسیری به جهان است. پژوهش‌گران کیفی به مطالعه پدیده‌ها در شرایط طبیعی‌شان می‌پردازند. هدف بررسی در شرایط طبیعی، تفسیر پدیده بر حسب معنایی است که افراد در شرایط طبیعی از تجاربشان می‌سازند (لینکولن دنی^۲، ۱۹۹۴: ۴۷۹). در این مطالعه نیز پژوهش‌گر به عنوان کنش‌گر فرهنگی - مذهبی در جستجوی معناهای نهفته در تجربیات خویش است. که منجر به شکل‌گیری هویت خود به عنوان یک کنش‌گر فرهنگی - مذهبی و مبلغ دینی شده است. اتخاذ روکرسولیکردی کیفی فرصتی است تا پژوهشگر به عنوان یک کنش‌گر با تجربه از درون خود جستجو کند و به درک عمیق‌تری از «خود» و تغییراتی که در عمل در زیست بوم مورد مطالعه اش رخ داده است، دست یابد. بعضی ویژگی‌های رویکرد کیفی عبارتند از:

۱. داده‌ها در شکل واژه‌ها جمع‌آوری می‌شوند.

۲. پی‌آمد (نتیجه) بیشتر یک فرآیند است تا یک فرآورده.

۳. تاکید بر چگونگی ساخت معناست که افراد از زندگی‌ها و تجارب خود می‌سازند.

۴. زبان پژوهش بیانی^۳ (رسا و پر معنی) است (کرسول^۴، ۲۰۰۳: ۱۷ - ۱۶).

1. Papacharissi.
2. Lincoln Denzin.
3. Expressive.
4. Creswell.

هدف پژوهش کیفی فهم بهتر رفتار و تجربه انسانی است. این مطالعه کیفی نیز از اتواتنوگرافی، شکلی رو به رشد از پژوهش و نوشتن درباره خود استفاده می‌کند (Ellis، ۲۰۰۴: ۹۳). اتواتنوگرافی نوشتن درباره شخص و ارتباط او با فرهنگ است. از نظر ریچاردسون^۱ نوشتن یک روش پژوهش است، وی معتقد است: نوشتن راهی برای کشف خود محقق و موضوع محقق است، نوشتن را به مثابه یک روش در نظر می‌گیریم، در هر حال ما زبان «در استفاده» را تجربه می‌کنیم، چطور ما جهان زیسته را از طریق واژه‌پردازی به وجود می‌آوریم و چگونه آن را دوباره به عبارت و زبان درمی‌آوریم. به عبارت بهتر انسان‌ها جهان را در قالب روایت می‌فهمند و آن را و خود را در قالب روایت‌ها بیان می‌کنند (Richardson، ۱۹۹۵: ۵۱۶ - ۵۲۹).

نوشته‌های روایی شخصی یا اتواتنوگرافیک از قراردادهای سنتی و منطقی - تحلیلی موجود در نوشته‌های آکادمیک تبعیت نمی‌کند. الیس و بوچنر (الیس^۲ - بوچنر^۳: ۷۶۸ - ۷۳۳) داستان - های شخصی را روایت‌های برانگیزاننده می‌دانند. معمولاً نویسنده یک روایت برانگیزاننده به اول شخص می‌نویسد، خود را موضوع پژوهش می‌سازد و بدین‌سان جدایی و انفصال قراردادی پژوهش‌گر و سوژه‌ها را نقض می‌کند (همان) ، داستان اغلب بر یک مورد تنها تأکید می‌کند و این چنین دغدغه‌های پژوهش سنتی یعنی تعمیم‌پذیری از میان موارد را به تعمیم‌پذیری درون یک مورد تغییر می‌دهد (همان).

۴۴

سبک داستان‌گویی، وابسته به رمان یا بیوگرافی است و بدین صورت حد و مرزهایی که به طور طبیعی علوم اجتماعی را از ادبیات جدا می‌کند را در هم می‌شکند. قابلیت خواندن و دسترسی‌پذیری متن، خواننده را در مقام شرکت‌کننده همکار در گفتگو قرار می‌دهد و نظر مرسوم خواننده به منزله دریافت‌کننده منفعل دانش را رد می‌کند. آشکارسازی جزئیات پنهان زندگی خصوصی، تجربه عاطفی را نمایان می‌کند و بدین‌گونه الگوی مدعی عقلایی بودن نمایش اجتماعی را به چالش می‌کشد؛ متن روایی گرایش به خلاصه‌سازی و توضیح دادن را نمی‌پذیرد. بر فرایند سفر تأکید می‌کند تا مقصد، و بدین‌صورت گمان باطل علمی کنترل و سلطه را کم ارزش می‌پندارد. داستان‌های برانگیزاننده ذهنیت را به کار گرفته و پاسخ عاطفی را موجب می‌شود. گرایش آنها بر استفاده شدن است تا تحلیل شدن؛ بر نقل شدن و بازگو شدن تا تئوریزه شدن و

1. Richardson.
2. Ellis.
3. Bochner.

آرام گرفتن؛ بر پیشنهاد درس‌هایی برای گفتگوی بیشتر تا نتیجه‌گیری‌های غیر قابل بحث؛ و بر جانشین کردن و هم‌نشینی جزئیات ژرف و کامل به جای تنهایی حقایق انتزاعی (همان).

متن پژوهش داستانی عاری از اصطلاحات خاص علمی و نظریه‌های انتزاعی است ... نویسندگان داستان‌ها را بر تحلیل ترجیح می‌دهند، قرائت‌های بدیل و تفسیر چندگانه را مجاز می‌شمارند. از خوانندگان خود می‌خواهند تا حقیقت داستان‌هایشان را احساس کنند، مشارکت‌کنندگانی همراه شوند و در ابعاد اخلاقی، عاطفی، زیبایی‌شناختی و عقلانی خط سیر داستان درگیر شوند (همان).

داستان‌گویی به مثابه روشی برای دعوت از خوانندگان است تا خود را جای ما بگذارند. محور گفتگوهای ما گزینش‌های اخلاقی است. فایده این داستان‌ها، ظرفیت آنها در ارائه گفتگوها از نقطه نظر خوانندگان است که از دیدگاه زندگی‌های خود به داستان می‌نگرند. روایت، ظرفیت خود را بالا و پایین می‌برد تا خوانندگان را به وسعت‌بخشی به افق‌های خود تحریک کند. خوانندگان می‌توانند آگاهانه بر تجربیات خود تأمل کنند و با تفکر، وارد دنیای تجربیاتی متفاوت از تجربیات خودشان شوند و فعالانه در گفتگوی مربوط به دلالت‌های اخلاقی و اجتماعی دیدگاه‌ها و نقطه نظرات متفاوتی که با آن مواجه شده‌اند، شرکت کنند (همان).

پرتیراژترین کتاب‌های ژورنالیسم اول شخص گواهی بر تمایل مردم به خواندن داستان‌های شخصی است. نه تنها مردم می‌خواهند بینش‌ها و ادراکات گزارشگران را بشنوند، بلکه خوانندگان می‌خواهند ببینند که [چگونه] مردم عادی شخصیت‌های اصلی نمایش‌های زندگی واقعی هستند. در گذشته نوشته‌های شخصی و اتوبیوگرافیکال حوزه انحصاری کسانی بود که خود را نویسندگان حرفه‌ای، تاریخ‌دان، پژوهش‌گر یا افراد مشهور می‌دانستند، اما اکنون به نقطه زمانی رسیده‌ایم که «مردم عادی» بیشتر از هر دوره تاریخی دیگر به نوشتن پرداخته‌اند.

الیس معتقد است محققى که از اتواتنوگرافی استفاده می‌کند برای اینکه کارش اعتبار داشته باشد و داستان خوبی را ارائه دهد، نمی‌تواند تنها به نگارش متنی داستان‌وار با تکیه صرف بر ادبیات جذاب اکتفا کند بلکه باید علی‌رغم متنی خوب و قابل قبول به لحاظ تجارب زیسته هم سطحی قانع‌کننده و قابل پذیرش داشته باشد. نگارنده اتواتنوگرافیک صرفاً به دنبال افشای خود و تجاربش نیست. بلکه مهم این است که او زندگی و تجاربی را در معرض دیگران قرار دهد که دیگران به صورت معمول نمی‌توانند آن را تجربه کنند و به عبارت دیگر تجارب خاص و کمتر تکرار شده را ارائه دهد (Ellis, 1998: 5-1).

۴. گونه‌شناسی نگارش‌های اتوانوگرافیک

محققان مختلف تلاش کرده‌اند تا نوشته‌های اتوانوگرافی را طبقه‌بندی کنند. چانگ این چهار دسته را پیشنهاد می‌کند: الف) توصیفی - واقع‌گرایانه، ب) احساسی - عاطفی، ج) تحلیلی - تفسیری، د) تخیلی - خلاقانه (Chang : ۱۰۹).

الف) متن‌های توصیفی - واقع‌گرایانه به طور دقیق تا جایی که ممکن است و بدون ارزیابی یا قضاوت، مکان‌ها، حوادث، تجارب، افراد و اماکن و محیط‌ها را توصیف می‌کند. نوشته‌هایی از این گونه اتوانوگرافی شامل توضیحات بسیار دقیق است که خوانندگان را قادر می‌سازد تا به جهان نویسنده وارد شوند. محققان را تشویق می‌کنند تا به داستان‌هایشان جزئیات بیشتری از جنس توصیف اضافه کنند.

یک اتوانوگراف نمی‌تواند خودش را از داستانش جدا تصور کند تا تصویری وفادارانه و بدون ارزیابی تصور کند، اما باید زمینه‌ها و رفتارها را تا حد ممکن به صورت واقعی و عینی توصیف کند. توضیحات واضح، دقیق و بدون ارزیابی به ویژه در مراحل بعدی تجزیه و تحلیل و تفسیر، فواید خود را نشان خواهند داد.

ب) احساسی - عاطفی، در این گونه از متن‌های اتوانوگرافی محقق آزاد است که آشفته‌ترین احساسات خود را آزادانه در درون متن ابراز کند و جنبه‌هایی از زندگی‌اش را که برای او مهم بوده است و ذهن او را مشغول کرده است را بیان کند (به عنوان مثال تحقیقات چاتم کارپنتر ۲۰۱۰ در مورد بی‌اشتهایی). دلیل اینکه محققانی به این نوع نوشتن ترغیب می‌شوند این است که این متن‌ها امکانی را فراهم می‌کنند تا نویسنده بتواند با احساسات خوانندگان ارتباط برقرار کرده و سپس از آنها دعوت کند تا در تحقیق او مشارکت داشته باشند. برخی از محققان بر این باورند که نویسندگان این گونه از اتوانوگرافی بیشتر با نقل داستان زندگی خود در پی اهداف روان‌شناختی و رهایی از فشارهای شخصی هستند.

ج) تحلیلی - تفسیری، ایده‌ی اصلی اتوانوگرافی به طور خاص با این گونه مرتبط است، زیرا هدف آن شناسایی عناصر اصلی روایت و برقراری رابطه‌ی معنی‌دار بین انبوهی از داده‌های پراکنده است. گونه‌های تحلیلی - تفسیری، داده‌ها را در یک زمینه گسترده‌تر قرار می‌دهند و با ایجاد ارتباط بین تحولات شخصی و زمینه‌های فرهنگی به دنبال کشف معانی جدید و تفسیر و تحلیل‌های خودبازنگرانه در مسیر توسعه هستند. نمونه‌ای از نوشتار تحلیلی - تفسیری را می‌توان

در خاطرات لازار (۱۹۹۶) یافت، که وی در آن تجربیات خود را در رابطه با پرورش فرزندان سیاه (بی‌نژادی) به عنوان مادر سفید (یهودی) نقل می‌کند، و مفاهیم مسئله نژادی را در زندگی شخصی‌اش تجزیه و تحلیل می‌کند و روابط نژادی را در زمینه‌های اجتماعی گسترده‌تر تفسیر می‌کند.

د) **تخیلی - خلاقانه**، این نوع نگارش، دورترین نوع نوشته‌های اتوانتوگرافی نسبت به متون متعارف دانشگاهی است؛ در عین حال برای چانگ به عنوان محقق برجسته در مطالعات خود مردم‌نگارانه، جسورانه‌ترین نوع نگارش‌ها گونه تخیلی - خلاقانه است. نوشته‌های این نوع می‌تواند در شعر، داستان و نمایش‌نامه‌ها ظهور پیدا کند. مهم‌ترین انتقادات به این گونه از نوشته‌ها این است که از فضای علمی به دور و فاقد جنبه‌های تحلیلی و تفسیری است (G. Dubé, ۲۰۱۵: ۳۷).

الیس و بوچنر و دنزین مدافع دخالت عواطف و اتوانتوگرافی ذهنی هستند. گرچه برخی پژوهش‌گران در موضع بین این دو قرار می‌گیرند، جنگ بین عینیت و ذهنیت همچنان ادامه دارد و گفتمان اتوانتوگرافی را شکل می‌دهد (حیدری، ۱۳۹۲: ۳۳).

۵. تولید داده‌ها در تحقیقات اتوانتوگرافیک

تولید داده‌های این پژوهش به انبوهی از اطلاعات مختلف که منشا و ماهیت‌های متفاوتی دارد مرتبط می‌شود. در حقیقت داده‌های استفاده شده در تحقیقات اتوانتوگرافی از سه منبع زمانی اصلی نشأت می‌گیرد: اولین منبع رشته‌ای از خاطرات شخصی و تجارب زیسته محقق است که از گذشته برمی‌خیزد؛ منبع دومی از زمان حال و تحولات جاری در زندگی شخصی محقق نشأت می‌گیرد، و منشاء منبع سوم به نوعی بیرون از دایره زندگی شخصی محقق است، داده‌های منبع سوم می‌تواند تجارب دیگران و تاثیر تجارب دیگران بر روند زیسته محقق باشد. در بخش اطلاعاتی که مربوط به گذشته است، محقق پایگاهی از اطلاعات و داده‌های اتوانتوگرافی را ایجاد می‌کند که شامل روزنگارها، خاطرات، مستندسازی و ویرایش خاطرات، فیلم‌های مستند، صوت، نقاشی، نقشه، آثار هنری یا تصاویری مانند عکس‌ها، کارت پستال‌های مناسبی و ... باشد. محقق باید داده‌های اولیه را با دقت و براساس نظامی منطقی در قالبی قابل استفاده، چه در فیش‌های الکترونیکی یا در قالب فیش‌های کاغذی سامان دهد.

پس از آن، با استفاده از تکنیک مرتب‌سازی و لیست کردن براساس تم‌های متنوع، داده‌های جمع‌آوری شده را براساس اولویت دسته‌بندی می‌کند. سامان‌دهی داده‌ها و تحولات گذشته نه

تنها به جمع‌آوری داده‌ها کمک می‌کند، بلکه از ابتدا فرایند نگارش اتوانوگرافی، ابعاد، مؤلفه‌های اصلی و کلیدی برای ارزیابی و سازمان‌دهی داده‌ها را نیز تسهیل می‌کند (G. Dubé, ۲۰۱۵: ۶۳). چانگ به عنوان یکی از محققان برجسته حوزه اتوانوگرافی با طرح مفهوم «تجسم خویشتن» بیان خاطرات شخصی به صورت بصری و از طریق نمودارها، نقشه‌های اکتشافی، جداول و تصاویر را مورد توجه قرار داده است، و معتقد است تصاویر بصری ساده، نقشه‌ها و تصاویر مرتبط به خاطره‌ها و تجارب زیسته به محقق و مخاطب کمک می‌کند تا به فهمی مشترک و ساده دست یابند (Chang: ۱۱۷).

منبع دوم داده‌های یک تحقیق اتوانوگرافی از زمان حال حاضر محقق نشات می‌گیرد. این نوع از داده‌ها از طریق مشاهده روندهای حال حاضر و خودبازنگری برآمده از مطالعه‌ی گذشته و لحاظ حال حاضر ایجاد می‌شود. تامل، دقت و مشاهده‌ی تغییرات درونی محقق در مقایسه گذشته و حال حاضر و خودبازنگری‌های مکرر در فرایند تحقیق و نگارش اتوانوگرافی بیان‌گر دیدگاه فعلی پژوهش‌گر و نحوه تغییر و تحول خویشتن او است. این موضوع را می‌توان به وضوح در تحقیقات چانگ که از آن به «خویشتن‌نگاری سیستماتیک»^۱ یاد می‌کند، مشاهده نمود.

به عقیده چانگ، «خودارزیابی» یا «خویشتن‌نگاری سیستماتیک» یک تکنیک تولید داده‌های بسیار مفید در تحقیقات کیفی است؛ زیرا امکان دسترسی به تجربه‌های پنهان، غریزی و شخصی مانند فرایندهای شناختی، احساسات، انگیزه‌ها، اقدامات پنهان، اقدامات فراموش شده و فعالیت‌های اجتماعی محدود شده از طرف اجتماع را ایجاد می‌کند؛ و آنچه به دست آمده از قبیل عادات و امور ناخودآگاه را که به طور مستقیم قابل دسترسی نیست را برای مشاهده، تحقیق و بررسی علمی بازتولید و در دسترس قرار می‌دهد (همان: ۱۲۹).

محقق در روزنگارنویسی‌های ناظر به میدان، نه تنها افکار و احساساتش در مورد تجربه زیسته و روند تحقیق را بیان می‌دارد، بلکه از روزنگارها، یادداشت‌های عینی بیشتری را می‌تواند استحصال و ثبت نماید. بنابراین از «روزنگارها» به عنوان مهم‌ترین ابزار نوشتن اتوانوگرافی می‌توان یاد نمود.

چانگ بر این باور است که در پژوهش‌های اتوانوگرافی که در آن فرآیندی از خودآگاهی و خودبازتابی در حال اجرا است، تقریباً غیرممکن است که داده‌های توصیفی (عینی) را از داده‌های

تفسیری (ذهنی) جدا کنیم. روزنگار تحقیق به عنوان ابزاری شناخته شده است که امکان رفت و برگشت‌های ذهنی را در فرایند خودبازتابی برای محقق فراهم می‌کند. روزنگارهای مکتوب از سقوط به دام «انانیت» و «خودمحوری» و «جذب در خود» جلوگیری می‌کند، خطری که که طبق نظر چانگ محققان اتواتنوگرافی را تهدید می‌کند (همان: ۱۲۳).

در حالی که دو منبع اول داده‌های تحقیقات اتواتنوگرافیک عمیقاً ریشه در تجارب زندگی و دیدگاه‌ها و تجارب ملموس، سیاسی و تاریخی زندگی محقق دارند، داده‌هایی که از منابع خارج از زندگی محقق به دست می‌آید اجازه می‌دهد دیدگاه‌های مختلف و اطلاعات تکمیلی موجب تعمیق و تجزیه و تحلیل بیشتر شود.

مصاحبه‌های عمیق با گروه‌های رسمی و غیررسمی فعال در حوزه آموزش و تبلیغ دینی از قبیل مدیران، مبلغان و همکاران، به محقق کمک می‌کند تا با تحریک حافظه، اطلاعات جدید را جمع‌آوری کند، اعتبار اطلاعات شخصی را بسنجد و برخی اطلاعات از دست رفته را تکمیل کند و هم‌زمان دیدگاه دیگران نسبت به خود را نیز ارزیابی کند.

اسناد رسمی مانند آئین‌نامه‌ها، اسناد راهبردی، صورت جلسه‌های رسمی، مصوبات و تولیدات متنی در خصوص فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و تبلیغی، به عنوان منابع معتبر داده‌ها به شمار می‌رود، و همچنین تولیدات غیرمتنی مانند تصاویر، اسلایدها، فیلم‌ها و صوت‌های مرتبط، همین نقش را ایفا می‌کنند.

در مواجهه با چنین فراوانی داده‌ها، این سوال مطرح می‌شود: چگونه می‌توان با این حجم انبوه از اطلاعات که به نظر پراکنده می‌رسد به آنها معنی بخشید؟

۶. پردازش اطلاعات

در مقابل این اطلاعات جمع‌آوری شده، محقق بایستی گامی به عقب بردارد تا دوباره بیاندیشد، گوش فرا دهد و یک بار دیگر همه چیز را مشاهده کند، تلاش کند تا بتواند داستان زندگی و تجربه زیسته را تا حد ممکن واقعی‌تر به تصویر بکشد و بتواند درکی حقیقی و درست داشته باشد، و از تسلیم شدن در مقابل احساسات زودگذر برای تدوین و یا طبقه‌بندی داده‌ها بپرهیزد.

محقق برای اینکه به خود کمک کند تا بتواند آنچه که به نظرش «بی‌نظمی خلاقانه» است را منظم کند، طبیعتاً باید از روشی منطقی و علمی بهره ببرد. مراحل پردازش اطلاعات چانگ، که شامل برچسب‌گذاری، پالایش، تجزیه و تحلیل و تفسیر و بازنویسی است از روش‌های مقبول

و معمول در تحقیقات اتوانوگرافی است. در مرحله برچسب گذاری، داده‌های اتوانوگرافی که به صورت قطعاتی از اطلاعات موجود در منابع مختلف ارائه شده‌اند و در بخش قبل مورد بحث قرار گرفت به صورت عمومی برچسب گذاری می‌شوند.

سازمان‌دهی داده‌های اتوانوگرافی به محقق این امکان را می‌دهد تا تمرکز خود را در مورد موضوعات تحقیق حفظ کند و با شناسایی کمبود داده‌های پژوهش با کسب و تکمیل اطلاعات به غنای داده‌های لازم بیافزاید و هم‌زمان با حذف داده‌های غیرمرتبط و غیرضروری میز کار خود را نظم ببخشد. این مرحله برای نظم بخشیدن و شفاف‌سازی اطلاعات بسیار مهم و ضروری است. در مرحله پالایش اطلاعات، محقق باید بر داده‌هایی تمرکز کند که موجب ارائه تجزیه و تحلیل و تعمیق بیشتری از تجربه زیسته شود. (همان: ۱۲۴)

در واقع جمع‌آوری، برچسب‌گذاری، طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها و همچنین روند تحقیق اتوانوگرافی، در یک مارپیچ هرمنوتیک صورت می‌گیرد. این مراحل پیوستگی و هم‌پوشانی دارند. بنابراین، در حالی که محقق داده‌ها را جمع‌آوری می‌کند، آنها را با برچسب‌گذاری، طبقه‌بندی و سازمان‌دهی نیز می‌کند، برخی از آنها را بسط می‌دهد در حالی که برخی دیگر را حذف می‌نماید. تولید، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها به صورت موازی در طول فرایند تحقیق انجام می‌شود و در حرکتی دایره‌وار اطلاعات یکدیگر را تکمیل می‌کنند (بوگدان^۱، ۱۹۸۴: ۲۱۶).

در واقع، پردازش داده‌ها مرحله‌ای را نشان می‌دهد که در صورت انجام شدن به طور موثر، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها، تا حد زیادی تسهیل می‌شود. در تحقیقات اتوانوگرافی نفس فرایند نگارش و نوشتن برای تولید داده‌ها و همچنین تجزیه و تحلیل آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. مرحله نوشتن از ابتدای فرایند تحقیق اتوانوگرافی شروع می‌شود و در طول پژوهش در قالب یادداشت‌ها، نقل قول‌ها، اندیشه‌ها، خاطرات، ایده‌ها، مناظره‌ها، احساسات و حتی اشعار ادامه می‌یابد. در حقیقت، می‌توان گفت که مرحله‌ی نوشتن به سال‌ها قبل از تحقیق برمی‌گردد، بسیاری از اسناد مورد استناد در پژوهش‌های اتوانوگرافیک قبل از تحقیق نوشته شده است و استفاده می‌شود.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری؛ چرا اتوانتوگرافی؟

استفاده از روش اتوانتوگرافی برای بررسی چگونگی شکل‌گیری هویت حرفه‌ای پژوهشگر به عنوان یک کنش‌گر فرهنگی - اجتماعی روشی مناسب است؛ چنانگ در این باره می‌گوید:

موضوعات آشنا به خوبی برای پژوهش‌های اتوانتوگرافیک مناسب هستند؛ زیرا پژوهش‌گران دسترسی مستقیم به اطلاعات خصوصی دارند و می‌توانند سوژه‌ها را عمیقاً بررسی کنند. به ویژه در مسائلی که التزام به اصل رازداری موجب دسترسی محدود پژوهش‌گر به اطلاعات می‌شود، اتوانتوگرافی انتخاب مناسبی است ... خود مردم نگاران درباره‌ی داده‌های آشنا، چشم‌اندازی وسیع، دقیق و کامل دارند. این آشنایی اولیه، اتوانتوگرافان را در جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل و تفسیر عمیق آنها، نسبت به دیگر پژوهش‌گران برتری می‌دهد. در دیگر پژوهش‌ها نظیر مردم‌نگاری، پژوهش‌گران بررسی خود را با موضوعی ناآشنا آغاز می‌کنند (Chang : ۹۷).

اتوانتوگرافی اگرچه همواره به زندگی روزمره‌ی انسان و تجربه‌های زیسته او اهمیت می‌دهد، ولی تحلیل‌های آن بر اساس نوعی ترکیب «ابعاد خرد» و «ابعاد کلان» کنش‌ها و رویدادهای انسانی و اجتماعی است. در این زمینه باید توجه داشت که اگرچه اتوانتوگراف ظاهراً بر تجربه‌های شخصی خود تأکید و تکیه دارد و داده‌های تجربی از زندگی شخصی خود استخراج می‌شود، ولی این داده‌ها در نهایت در بافت کلی جامعه، فرهنگ و تاریخ قرار می‌گیرند و تفسیر و معنا می‌شوند (فاضلی، ۱۳۹۲: ۴۴۰).

یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌ها و کارایی‌های اتوانتوگرافی قابلیت آن برای توصیف و تحلیل کنش‌ها، تجربه‌ها و پدیده‌های انسانی و اجتماعی در بافت جامعه‌ی «چندفرهنگی»^۱ امروزی است (همان: ۴۴۴). شاید بتوان گفت رشد و گسترش اتوانتوگرافی در واکنش به این واقعیت اجتماعی در دهه‌های اخیر ظاهر شده است که جامعه‌ی انسانی هر سال بیش از گذشته به سوی جامعه‌ی چندفرهنگی تری در حال تحول است. (همان)

موضوع مهم دیگر اینکه پژوهش‌های برآمده از تجارب شخصی در قالب رویکرد روشی اتوانتوگرافی قابلیت اشتراک‌گذاری با سایر افراد جامعه را دارد، و به کمک آن می‌توان این تجربیات را توصیف، تبیین و تحلیل کرد. این روش به ویژه در بازخوانی شرایط حاکم بر این بسترها کاربرد و کارکرد دارد و با کمک آن روندهای موجود در بستر فرهنگی و اجتماعی مورد

مطالعه را به خوبی شناسایی و ضمن آسیب شناسی این روندها را در راستای بهبود عملکرد و کارکردهای موجود فرهنگی و اجتماعی اصلاح کرد. اتواتنوگرافی به مدرسان در حوزه و دانشگاه، مبلغان معارف دینی و مدیران عرصه‌های فرهنگی این توانایی را می‌بخشد تا بتوانند تجارب خود در محیط عمل را به صورتی علمی و مورد توجه مخاطبان بیان کنند و از این مسیر به انباشت تجارب حرفه‌ای در حوزه‌ای خاص به منظور تولید دانش کمک کنند.

منابع

۱. فاضلی، نعمت الله (۱۳۹۲)، *پشت دریاها شهری است*، تهران، انتشارات تیسرا.
۲. حیدری، ژیلا (۱۳۹۲)، پایان نامه «مطالعه اتنوتنوگرافیک چگونگی شکل‌گیری هویت حرفه‌ای معلم و دلالت‌های ضمنی آن در تربیت معلم»، تهران، دانشگاه خوارزمی دانشگده روانشناسی و علوم تربیتی.
۳. گافمن، اروینگ (۱۳۹۵)، ترجمه مسعود کیانپور، *نمود خود در زندگی روزمره*، تهران، نشر مرکز.
۴. سنتکلر، مایکل (۱۳۹۵)، *درآمدی بر روابط موضوعی و روانشناسی خود*، ترجمه علیرضا طهماسب و حامد علی آقایی، تهران، نشر نی.
5. Anderson, L, Analytic autoethnography. *Journal of contemporary ethnography*, 2006.
6. Bullingham, L. and A.C. Vasconcelos, "The presentation of self in the online world: Goffman and the study of online identities". *Journal of Information Science*, 2013.
7. Chang, H, *Autoethnography as method*. Walnut Creek, CA: Left Coast Press Inc, 2008.
8. Creswell, J. W, *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches* (2nd ed.), Thousand Oaks, CA: Sage, 2003.
9. Denzin, N.K. et Lincoln, Y.S. (éd.), *Handbook of qualitative research*. Thousand Oaks, CA: Sage, 1994.
10. Dubé, G. C. Parcours d'une formatrice d'enseignants au Québec. *Autoethnographie d'une quête transpersonnelle*. Paris: L'Harmattan. 2015.
11. Ellis, C, what counts as scholarship in communication? An autoethnographic response. *American communication journal*, 1998.
12. Ellis, C, *The ethnographic I: A methodological novel about autoethnography*. New York: Alta Mira, 2004.
13. Ellis, C. et Bochner, A.P, Autoethnography, personal narrative, and personal reflexivity. In N.K. Denkin, et Y.S. Lincoln, (éd.) *Handbook of qualitative research* (2e éd.), 2000.
14. Hogan, Bernie, "The Presentation of Self in the Age of Social Media: Distinguishing Performances and Exhibitions Online". *Bulletin of Science, Technology & Society*, 2010.
15. *Journal of Contemporary Ethnography*
16. Ling, Rich, "The 'unbooted' Phone: Goffman and the Use of Mobile Communication." In the Contemporary Goffman, edited by Michael Hviid Jacobsen. London: Routledge, 2009.
17. Papacharissi, Zizi, Without you, I'm nothing: Performances of the self on Twitter. *International journal of communication*, 2012.
18. Reed-Danahay, D. E, *Auto/etnography. Rewriting the self and the social*. Oxford, UK: Berg, 1997.
19. Richardson, L, Writing. A method of inquiry. In N. K. Denzin, et Y. S. Lincoln, (éd.). *Handbook of qualitative research*, Thousand Oaks, CA: Sag, 1994.
20. Robinson, L, "The cyberself: the self-ing project goes online, symbolic interaction in the digital age". *New Media and Society*, 2007.

21. Smith, Greg, Erving Goffman. London: Routledge, 2006.
22. Taylor, S. J. et Bogdan, R, *Introduction to qualitative research methods: The search for meaning*. New York, NY: John Wiley et Sons, 1984.